

نگاهی به داغان ترین برندگان جایزه صلح نوبل

آنان که نباید

۴- باراک اوباما



هنوز چند ماهی از رئیس جمهور شدن اوباما نگذشته بود که کمیته جایزه نوبل اعلام کرد جایزه صلح نوبل سال ۲۰۰۹ را به وی اعطا خواهد کرد. اوباما که با شنیدن این خبر ساندویچ هات داگ‌اش را نجویده قورت داد، از جو بایدن که معاون اولش بود پرسید: «منو می‌گه؟»

در واقع داوران نوبل انتظار داشتند اوباما در دوران ریاست جمهوری پیش رویش «تلاش‌های بی‌نظیرش در جهت تقویت دیپلماسی جهانی و همکاری میان‌ملت‌ها» را به رخ همگان بکشد تا ثابت شود که وی بحق نامزد این جایزه بوده. اما نه تنها چنین کاری نکرد، بلکه تا توانست بپهاد بود که روانه مناطق مختلف دنیا برای جنگ افروزی می‌کرد. دست آخر هم در نامه‌ای به کمیته نوبل نوشت: «من همه تلاش‌مو کردم!»

۳- میخائیل گورباچف



کمترازی یک‌ماه بعد از اینکه گورباچف جایزه صلح نوبل سال ۱۹۹۰ را به خاطر «نقش ویژه‌اش در روند صلح در جهان و همین‌طور به خاطر روند صلح آمیز و موفق اتحاد دوباره دو آلمان» گرفت، در حمایت از کودتای‌های ارتش شوروی علیه کشور لیوتانی همه‌استقلال طلبان لیوتانیایی را با خاک شورش‌شان به‌توبه کشید!

خوش انصاف حتی اهل ظاهرسازی هم نبود و نگذاشت حتی خبر جایزه گرفتنش روی تلکس خبرگزاری‌ها برود! وی همان زمان در جواب خبرنگاری که پرسید: «آقای گورباچف، شایعه شده شما جایزه صلح نوبل رو گرفتید. تأیید می‌کنید؟» گفت: «به همین کله کچلم قسم که خودم بودم. به امید حق علیه باطل مریمم که جایزه جنگ نوبل رو هم بگیریم. بعد درحالی که با جایزه صلح نوبل رو به جلو اشاره می‌کرد فریاد کشید: «بزنید شک شو نو پتک کتین!»

۲- یاسر عرفات



وی که از اینجا مانده و از آنجا رانده بود همواره از سمت غربی‌ها مورد مؤاخذه قرار می‌گرفت، اما یک‌هجو مورد تقدیر آنها قرار گرفت! جالب‌تر از آن اینکه عرفات به خاطر مبارزه علیه رژیم صهیونیستی مورد سرزنش غرب بود، ولی جایزه صلح نوبل را به صورت مشترک با اسحاق رابین و شیمون پرز که نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی بودند دریافت کرد!

تناقض را دارید؟ حتی خود یاسر عرفات هم که مورد اتهام همکاری با صهیونیست‌ها و رفتاری دوگانه بوده در خواب هم نمی‌دید که با دو نفر از بی‌رحم‌ترین و سنگ‌دل‌ترین قاتلان تاریخ همگروه شود. نقل است وی بعد از گرفتن این جایزه در مورد احساسش گفته: «اگه فوتبال بود می‌گفتم تو گروه مرگ افتادم!»

۱- تئودور روزولت



بدون شک و به گواه اولین دینامیتی که آلفرد نوبل منفجر کرد، داغان‌ترین و ناشایست‌ترین کسی که جایزه صلح نوبل را به خانه برده، همین تئودور روزولت است که اصلاً معلوم نشد چطور وی با چه توطئه‌ای رئیس جمهور شد! روزولت از همان اول چماق را از رویه رو بسته بود و در سخنرانی‌هایش همیشه تأکید می‌کرد که نرم سخن می‌گوید اما یک چماق همیشه در دستش دارد.

با همان چماق بود که بین سال‌های ۱۹۰۵ و ۱۹۰۶ همزمان طرف روسیه و ژاپن را که در جنگ بودند گرفت و به همین خاطر نامزد دریافت جایزه صلح نوبل شد. وی برخلاف باراک اوباما، زمانی که از نامزدی خودش مطلع شد با صدای رسا گفت: «آره! منو می‌گه!»

دیوانه حافظ

افشار جابری و حافظ شیرازی
«از صبا پرس که مارا بره شب تا دم صبح»
خواب در پشتم و بر لب چایی و سرد کوشی است



شوخی با تیتراژ نامه‌ها

پيام روشن مجلس به تيم اقتصادي دولت

افزایش درآمد، کاهش تورم و آرامش در بازار

توافق بی سابقه دشمنان

رابطه معکوس مدیریت غربگرایان و قیمت نفت

یارانه نقدی علیه فاصله طبقاتی

از این صلح پر از کینش...

سورچرانی، پشت گوش چپ

حکایت پیرومردان

نامزدهای جایزه صلح نوبل در یک قاب

بیبانه مریم رجوی در اعتراض به پیشنهاد نامزدی مسیح علی‌نژاد برای جایزه صلح نوبل

صلح بانان جهان

اشرافیت: مدلی برای همه فصول!

در انتظار اوج ازدواج

شخصیت‌شناسی ماسکی

سورچرانی، پشت گوش چپ

حکایت پیرومردان

نامزدهای جایزه صلح نوبل در یک قاب

بیبانه مریم رجوی در اعتراض به پیشنهاد نامزدی مسیح علی‌نژاد برای جایزه صلح نوبل

صلح بانان جهان

اشرافیت: مدلی برای همه فصول!

در انتظار اوج ازدواج

شخصیت‌شناسی ماسکی

سورچرانی، پشت گوش چپ

حکایت پیرومردان

نامزدهای جایزه صلح نوبل در یک قاب

بیبانه مریم رجوی در اعتراض به پیشنهاد نامزدی مسیح علی‌نژاد برای جایزه صلح نوبل

صلح بانان جهان

اشرافیت: مدلی برای همه فصول!

در انتظار اوج ازدواج

شخصیت‌شناسی ماسکی

سورچرانی، پشت گوش چپ

حکایت پیرومردان

نامزدهای جایزه صلح نوبل در یک قاب

بیبانه مریم رجوی در اعتراض به پیشنهاد نامزدی مسیح علی‌نژاد برای جایزه صلح نوبل

صلح بانان جهان

اشرافیت: مدلی برای همه فصول!

در انتظار اوج ازدواج

شخصیت‌شناسی ماسکی

شبی از شب‌های زمستان، پیر در غار تنهایی خود به زیر کرسی خزیده بود و از خوردن چای گرم و بیسکویت لذت می‌برد که ناگهان مریدان وی نعره‌زنان وارد شدند. پیر که به این رفتارهای مریدان عادت داشت، هیچ‌نگفت و فقط تماشا کرد تا ببیند مریدان کی سر عقل می‌آیند و خاموش می‌شوند. پیر هرچه منتظر ماند مریدان بیشتر نعره زدن و مریدان نیز که خون‌سردی پیر را می‌دیدند، بیشتر تحریک شده و بیشتر نعره می‌زدند. از یک جایی به بعد صدای مریدان گرفت و بالا جبار خاموش شدند. پیر که خیلی خودش را کنترل کرده بود، از جای برخاست و با اعصابش تک‌تک مریدان را آنقدر زد که صدای گرفته‌شان دوباره باز شد.

مریدی گفت: «چرا می‌زنی؟ شاید دلیلی برای این همه کولی‌بازی داشتیم.» پیر گفت: «اول بارتن که نیست!» مرید گفت: «ای پیر! این بار فرق می‌کند. خبر آمده که قرار است مسیح علی‌نژاد هم کاندیدای دریافت جایزه صلح نوبل شود. این نعره ندارد؟ من از شما می‌پرسم.»

مریدان منتظر بودند که پیر هم نعره بزند، لکن پیر نظاره‌گر مریدان بود و هیچ‌نگفت. مریدان که واکنشی ندیدند، بانگ برآوردند که: «ای پیر از چه روی خموشی؟ به نعره‌ای، جیغی، چیزی بزن.» پیر گفت: «کم‌خردان! جایزه صلح نوبل تا الآن به کدام آدم درست و حساسی رسیده که این دومی‌اش باشد؟ پیش از این هم بسیاری از دشمنان صلح این جایزه را گرفته‌اند. حالا این خبر ارزشش را داشت که اینگونه شب تعطیلیم را خراب کنید؟» مریدان کمی به فکر فرو رفتند و با خود اندیشیدند که پیر راست می‌گوید و آنها هم چیزی از بقیه کم ندارند. پس نعره‌زنان به سمت کمیته نوبل شتافتند تا به‌پاس یک‌دهه اذیت و آزار پیر، خود را کاندیدای صلح نوبل کنند. در راه نیز جامه دریدند و بر سر چوب کردند تا شاید به‌عنوان «مخالف‌جامه اجباری» شانس‌شان برای دریافت جایزه صلح نوبل افزایش یابد.

چه شود باز بر نام تو را بخورم کاش شبی شام تو را به خداوند اسیرش هستم هرکسی پهن کند دام تو را دم بختان به کج روی آرند سرپرستی بکن ایتم تو را می‌روم پشت در هر بانگی که ببندم به خود احرام تو را همه شرط و شروطش با من می‌کند پاره که برجام تو را؟ باید از بانک پیرسی که چرا این چنین تلخ کند کام تو را ازدواجم شده کابوس همه چه کنم این همه آلام تو را زندگی منتظر ماست ولی بدهد بانک اگر وام تو را

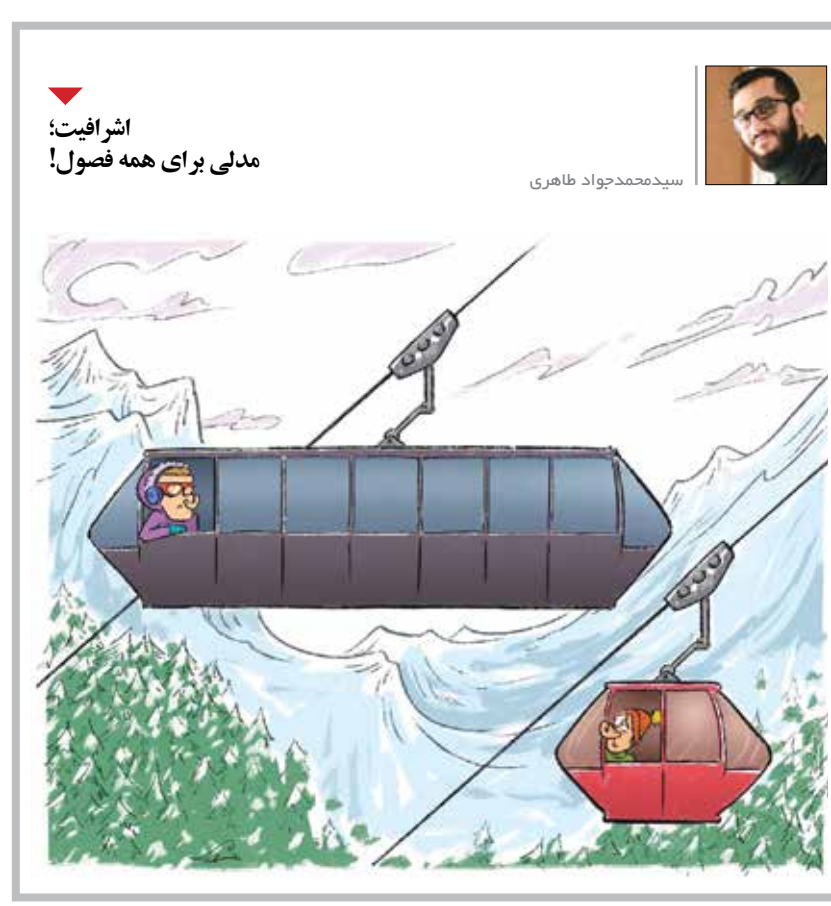
کت فراگ: کت دنباله دار دو لبه انگلیسی (۱)
سجل: شناسنامه (۲)
آجیل آچار: آجیل زعفرانی، آلبومیوی گلبردار (۳)

شخصیت‌شناسی ماسکی

ماسک سه لایه معمولی: دمتان گرم! شما مثل خودمان هستید. شیش‌های جیب‌تان هم سروسامان گرفته‌اند ولی خودتان هنوز نه. قیل از هر عید کلی استوری می‌گذارید که تو رو خدا پیامک تبریک تکراری نفرستید ولی آخرش نود هزار تا پیامک تبریک تکراری دریافت می‌کنید. درحالی که از بغل دست‌پا در آن‌توبوس می‌پرسید قضیه فلانی چی بوده، علیه‌اش سه تا پیست می‌گذارید. موقعی که می‌خواهید به صحبتی در چت پایان بدهید، از ایموجی گل و قلب استفاده می‌کنید و اگر طرف مقابل این حربه را استفاده کرد، شما پیامش را لایک می‌کنید. هنوز هم گاهی از لهجه بره‌ای استفاده می‌کنید. اگر خیلی فریخته باشید، در جوانی و نوجوانی صفحات تلخ تکتست را دنبال می‌کردید.



ای خلاق جهان! من یکی از لایق‌ترین افراد برای کسب جایزه نوبل هستم. اما حق مرا خورده‌اند، یک پارچ آب هم رویش. نمونه‌اش همین دخترک تازه از کشور گریخته. بیش از ۴۰ سال است که همه زندگی‌ام را در این راه گذاشته‌ام و فروغ‌های جاویدان برای صلح در ایران روشن کرده‌ام. اما آنقدر به ما ظلم شد که حتی تا چند سال پیش یک گروهک تروریستی بودیم. حتی گروه هم نه! مگر من از آن دخترک گیس بریده چه کم دارم که از راه نرسیده نامزد شده و من بعد از سال‌ها مبارزه هنوز نام مسعود گویه‌گور شده را یک می‌کشم و نتوانستم نامزد شوم؟ البته مسیح بداند که این دوران نامزدی شیرین است، ولی شیرینی آن آمیزه‌ای است از تلخی و شوری، و فرجامش بی‌مزگی است. حالا که فکر می‌کنم شاید نه مزه‌ای از گسی هم داشته باشد. البته هر یک از این مزه‌ها در صورتی محقق خواهد شد که تا قبل از این به خاطر کرونا بویایی و چشایی‌ات را از دست نداده باشی. در آخر به منظور احقاق حقوق حقه خود، از همه هواداران خود خواستاریم در نشست بعدی شورای مقاومت ایران حاضر شده و یکصد فریاد بر آوریم. ما اعتراض داریم، نوبل نیاز داریم.



مروری بر مطبوعات طنز ایران

بخش سوم